



A Study of CNN's News Policy on the Attacks on Afghanistan and Iraq after September 11, 2001

Received:2025/11/24

Accepted:2025/12/29

Laila Samareh Hashemi:

PhD student, Department of International Relations, Raf.C, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

E-mail: Leila.samareh@gmail.com

ORCID ID: 0009-0000-4933-0543

Ebrahim Anousheh:

Assistant Professor, Department of International Relations, Raf.C, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran (Corresponding Author)

E-mail: ib.anousheh@gmail.com

ORCID ID: 0000-0003-2194-5700

Khosrow Vafaei:

Assistant Professor, Department of International Relations, Raf.C, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

E-mail: khvafaei@yahoo.com

Abstract

Different media outlets publish different news in the international arena based on different approaches and news policies that are influenced by internal and external factors. The coverage of news related to the foreign policy of the United States towards different countries of the world has always been of interest to the international media due to its impact on the economy and international politics. In the meantime, CNN, as an international news network that reflects various political events in the international arena, has different news strategies. According to CNN's influence theory, the most important strategies of this news network in covering news are highlighting, deterrence, and acceleration. In this article, this network's news policy on the US attack on Afghanistan and Iraq is analyzed based on CNN's influence theory. In this analysis, highlighting is considered the most important and main strategy in reflecting news about the United States' invasion of Iraq and Afghanistan after the events of September 11, 2001. The research method in this article is descriptive-analytical and based on news published by this media at different points in time about the United States' invasion of Afghanistan and Iraq.

Keywords: cnn news network, CNN Effect Theory, Iraq, Afghanistan, US foreign policy, September 11 2001, Media

بررسی سیاست خبری شبکه سی ان ان در زمینه حمله به افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

چکیده:

رسانه های مختلف بر مبنای رویکردها و سیاست های متفاوت خبری که تحت تاثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی قرار می گیرند اخبار مختلف در حوزه بین الملل را منتشر می کند. بازتاب اخبار مربوط به سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به کشورهای مختلف جهان، به دلیل تاثیر گذاری آن بر اقتصاد و سیاست بین الملل، همواره مورد توجه رسانه های بین المللی بوده است. در این میان شبکه خبری سی ان ان به عنوان یک شبکه خبری بین المللی که رویدادهای مختلف سیاسی را در حوزه بین الملل انعکاس می دهد، دارای راهبردهای خبری متفاوتی است. طبق نظریه تأثیر سی ان ان، مهم ترین راهبردهای این شبکه خبری در بازتاب اخبار برجسته سازی، بازدارندگی و شتابزایی است. در این نوشتار سیاست خبری این شبکه درباره حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق بر مبنای نظریه تأثیر سی ان ان تحلیل شده است. در این تحلیل، برجسته سازی به عنوان مهم ترین و اصلی ترین راهبرد در بازتاب اخبار مربوط به حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و افغانستان پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در نظر گرفته شده است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی- تحلیلی و بر مبنای اخبار منتشر شده این رسانه در مقاطع مختلف زمانی درباره حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق است.

کلید واژه ها: شبکه خبری CNN. نظریه تأثیر سی ان ان، عراق، افغانستان، سیاست خارجی آمریکا، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، رسانه

لیلا ثمره هاشمی:

دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

کد ارکید

۰۵۴۳-۰۴۹۳۳-۰۰۰۰۰-۰۰۰۹

Leila.samareh@gmail.com

ابراهیم انوشه:

استادیار گروه روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

کد ارکید

۰۰۰۰-۰۰۰۰۳-۰۲۱۴۹-۰۷۰۰

ib.anoosheh@gmail.com

خسرو وفایی:

استادیار گروه روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

khvafaei@yahoo.com

در میان رسانه های مختلف در ایالات متحده آمریکا شبکه تلویزیونی سی ان ان دلیل مواردی چون گستردگی پوشش خبری ویژه از تحولات انقلاب ها و رویدادهای مختلف دنیا، همواره از منظر تحلیل سیاست خبری مورد توجه بوده است.

بررسی تاثیر این شبکه تلویزیونی بر تصمیم گیری و تصمیم سازی صاحبان قدرت سیاسی در ایالات متحده آمریکا می تواند مؤلفه های بنیادین در عرصه سیاست خارجی این کشور را مشخص کند.

در این زمینه رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زمان مناسبی برای آغاز بررسی رابطه این شبکه تلویزیونی با صاحبان قدرت سیاسی در ایالات متحده برای تعیین سیاست خارجی این کشور نسبت به کشورهای دیگر است، چرا که این رویداد در مواردی چون تحول و تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به کشورهای چون افغانستان و عراق و البته سایر کشورهای اسلامی پر رنگ شدن مساله تروریسم و مبارزه با آن تغییر راهبردهای سیاست خارجی ایالات متحده بر بازیگران دیگر عرصه بین الملل و همچنین تحولات سیاسی در خاورمیانه تاثیر گذار بوده است.

برای نمونه می توانیم به شگل گیری بحران داخلی در افغانستان و عراق، شکل گیری داعش پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، بحران در سوریه و افزایش نظامی گری در غرب آسیا اشاره کنیم.

به طور کلی شناخت رویکردها یا سیاست خبری سی ان ان در زمینه تحولات سیاسی و بین المللی از یک جهت می تواند ما را با ایدئولوژی های صاحبان این رسانه آشنا کند و از سوی دیگر وابستگی رسانه ها را به احزاب و جریان های سیاسی ایالات متحده برای ما مشخص می کند.

در این مقاله سوال اصلی این است که شبکه خبری سی ان ان درباره حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از چه راهبرد خبری استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سوال ۳ خبر منتشر شده سی ان ان در مقاطع زمانی مختلف بر مبنای ارزش خبری فراگیری و شهرت انتخاب شده است که تحلیل و بررسی می شود.

Extended Abstract

Among the various media outlets in the United States, CNN has always been of interest from the perspective of news policy analysis due to its extensive coverage of developments in revolutions and various events around the world.

Examining the impact of this television network on the decision-making and decision-making of political power holders in the United States can determine the fundamental components of this country's foreign policy.

In this context, the September 11, 2001 event is a good time to begin examining the relationship of this television network with political power holders in the United States to determine the country's foreign policy towards other countries, because this event has had an impact on issues such as the transformation and change in the United States' foreign policy towards countries such as Afghanistan and Iraq and of course other Islamic countries, the increasing prominence of the issue of terrorism and the fight against it, the change in the United States' foreign policy strategies on other actors in the international arena, and also political developments in the Middle East.

For example, we can mention the formation of the internal crisis in Afghanistan and Iraq, the formation of ISIS after the US attack on Afghanistan and Iraq, the crisis in Syria, and the increase in militarism in West Asia.

In general, understanding CNN's approaches or news policy in the field of political and international developments can, on the one hand, familiarize us with the ideologies of the owners of this media, and on the other hand, it determines the media's affiliation with the political parties and currents of the United States.

In this article, the main question is what news strategy did CNN use regarding the United States' attack on Afghanistan and Iraq after September 11, 2001? To answer this question, three news stories published by CNN at different times were selected based on their news value, coverage, and popularity, and are analyzed and reviewed.

در میان رسانه های مختلف در ایالات متحده آمریکا شبکه تلویزیونی سی ان ان دلیل مواردی چون گستردگی پوشش خبری ویژه از تحولات انقلاب ها و رویدادهای مختلف دنیا، همواره از منظر تحلیل سیاست خبری مورد توجه بوده است.

بررسی تاثیر این شبکه تلویزیونی بر تصمیم گیری و تصمیم سازی صاحبان قدرت سیاسی در ایالات متحده آمریکا می تواند مؤلفه های بنیادین در عرصه سیاست خارجی این کشور را مشخص کند.

در این زمینه رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زمان مناسبی برای آغاز بررسی رابطه این شبکه تلویزیونی با صاحبان قدرت سیاسی در ایالات متحده برای تعیین سیاست خارجی این کشور نسبت به کشورهای دیگر است، چرا که این رویداد در مواردی چون تحول و تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به کشورهای چون افغانستان و عراق و البته سایر کشورهای اسلامی پر رنگ شدن مساله تروریسم و مبارزه با آن تغییر راهبردهای سیاست خارجی ایالات متحده بر بازیگران دیگر عرصه بین الملل و همچنین تحولات سیاسی در خاورمیانه تأثیر گذار بوده است.

برای نمونه می توانیم به شگل گیری بحران داخلی در افغانستان و عراق، شکل گیری داعش پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، بحران در سوریه و افزایش نظامی گری در غرب آسیا اشاره کنیم.

به طور کلی شناخت رویکردها یا سیاست خبری سی ان ان در زمینه تحولات سیاسی و بین المللی از یک جهت می تواند ما را با ایدئولوژی های صاحبان این رسانه آشنا کند و از سوی دیگر وابستگی رسانه ها را به احزاب و جریان های سیاسی ایالات متحده برای ما مشخص می کند.

در این مقاله سوال اصلی این است که شبکه خبری سی ان ان درباره حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از چه راهبرد خبری استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سوال ۳ خبر منتشر شده سی ان ان در مقاطع زمانی مختلف بر مبنای ارزش خبری فراگیری و شهرت انتخاب شده است که تحلیل و بررسی می شود.

نظریه تأثیر سی.ان.ان

رسانه های در آمریکا تا سال های دهه ۸۰ میلادی عموماً ملی بودند و فعالیت های برون مرزی آن ها به فعالیت های دولتی محدود می شد. از دهه ۸۰ میلادی شاهد پیدایش رسانه های فراملی در آمریکا بودیم که دلیل آن ظهور فناوری های نوین رسانه ای و اطلاعاتی مانند فناوری دیجیتال، فناوری ماهواره ای و البته فشار های مختلف برای خصوصی سازی و رفع محدودیت های قانونی در حوزه فعالیت های ارتباطی در ایالات متحده است.

از این مقطع زمانی به بعد، شرکت های بزرگ رسانه ای، فضای رسانه های جهان را به سرعت در اختیار گرفتند؛ به گونه ای که کارشناسان از تسخیر این عرصه از سوی معدودی از شرکت های بزرگ خبر می دادند.

تقریباً تمامی شرکت های پیشرو در این حوزه، آمریکایی بودند (مکچزنی، ۲۰۰۱). دو شبکه ای که فعالیت های خبری فراملی گسترده ای دارند، عبارتند از: سی.ان.ان و سی.ان.بی.سی که هر یک به ترتیب متعلق به شرکت های بزرگ چندرسانه ای آمریکایی تایم وارنر و کامکست هستند. (سقای بی ریا، ۱۳۹۶: ۱۲۹ و ۱۳۰)

در پایان این دهه، این سؤال مطرح شد که این «فراگیری رسانه ای» تا چه اندازه است؟ بر دولت به ویژه روند سیاست خارجی تأثیر گذاشته است. به نظر می رسد فناوری های جدید زمینه را برای بررسی آرام در مورد سیاست کاهش می دهد و سیاستگذاران را مجبور می کند به هر موضوعی که روزنامه نگاران روی آن تمرکز می کنند پاسخ دهند. این تصور به نوبه خود با پایان نظم دوقطبی و آنچه که بسیاری به عنوان فروپاشی اجماع قدیمی ضد کمونیستی مطرح می کردند، منجر به ایجاد پیوند ایدئولوژیکی شد که سیاست گذاران و روزنامه نگاران را متحد می کرد. فرض بر این بود که روزنامه نگارانی که از «منشور جنگ سرد» رها شده بودند، نه تنها برای پوشش داستان هایی که می خواستند، بلکه در انتقاد از سیاست خارجی ایالات متحده نیز آزادتر بودند. عبارت «تأثیر سی.ان.ان»، این ایده را در بر می گیرد که فناوری ارتباطات به سرعت می تواند واکنش های عمده ای را از سوی مخاطبان داخلی و نخبگان سیاسی نسبت به رویدادهای جهانی برانگیزد. (Robinson, 1999, 301).

در واقع برای بسیاری از روزنامه نگاران، سیاستگذاران و پژوهشگران، شک کمی وجود دارد که رسانه ها عمیقاً بر روند سیاست خارجی تأثیر می گذارند. به عنوان مثال، جیمز شلزینگر، وزیر دفاع اسبق ایالات متحده آمریکا، استدلال کرده است که در دوران پس از جنگ

سرد، ایالات متحده سیاست خارجی را در پاسخ به «انگیزه و تصویر» اتخاذ کرده است. بنابراین «در این عصر، تصویر به معنای تلویزیون است، و به نظر می‌رسد که سیاست‌ها، به‌ویژه در دموکراسی‌ها، به طور فزاینده‌ای تابع تصاویری هستند که در سراسر صفحه تلویزیون سوسو می‌زنند.» نمونه‌ای که در این زمینه ذکر شده است، واکنش دولت کلینتون به حمله خمپاره‌ای به بازار سارایوو در فوریه ۱۹۹۴ است که سبب کشته شدن شصت و هشت نفر شد (Levingston, 1997).

البته بدیهی است که این نگاه لوینگستون به تلویزیون در زمانی است که هنوز رسانه‌های دیجیتال و به عبارت دیگر نسل سوم رسانه‌ها جایگزین رسانه‌های الکترونیک مانند رادیو و تلویزیون نشده بودند.

شبکه خبری سی.ان.ان را می‌توانیم به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جهان در حوزه تحولات سیاسی معرفی کنیم. مهم‌ترین دلایل این ادعا می‌تواند مصاحبه خبرنگاران این شبکه با برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی جهان از جمله رؤسای جمهور کشورهای مختلف مانند ایران از سوی خبرنگاران ارشد حوزه بین‌الملل این شبکه مانند کریستن امانپور، پوشش آنلاین و بروز رویدادهای خبری در نقاط مختلف جهان، توجه سیاستمداران ایالات متحده نسبت به اخبار منتشر شده از سوی این شبکه، ترجمه اخبار منتشر شده از سوی این شبکه در کشورهای مختلف مانند ایران از سوی خبرگزاری‌های رسمی باشد.

«تأثیر سی.ان.ان» نظریه‌ای است که مطابق با آن تصاویر تلویزیونی اقناع‌کننده از سوی این شبکه خبری منتشر می‌شود. مانند تصاویر یک بحران انسانی که سیاستگذاران ایالات متحده را به مداخله در جهت حفظ منافع ملی وای دارد. (Islam Ju, 2023, 2)

از نگاهی دیگر تأثیر فناوری‌های ارتباطی تأثیر «سی ان ان» تعریف می‌شود. این تأثیر به لحاظ تحلیلی تحت سه مقوله متمایز و مستقل از یکدیگر مورد بحث قرار می‌گیرد. این مقولات در عین حال که معرف انواع تأثیرگذاری سی ان ان هستند، «تأثیر سی ان ان را به مثابه عامل شتابزا، بازدارنده و برجسته‌ساز تعریف می‌کنند.

وقتی «تأثیر سی ان ان» به عنوان عامل شتابزا تعریف می‌شود فرض بر این است که فناوری‌های اخیر ارتباطی در جهان به سیاستمداران مجالی برای تأمل و مشاوره نمی‌دهد در دوره فناوری‌های ماهواره‌ای فراملی ژورنال‌سِم «زنده» درواقع اصطلاحی است برای تعریف این موضوع که اعمال ژورنال‌سستی تابع اصل «سرعت» اند. این اصل تحلیل و واکنشی‌آنی را می‌طلبد.

به عبارت دیگر در این حالت، رسانه‌ها زمان واکنش تصمیم‌گیری را کوتاه می‌کنند. که یک دیپلماسی تلویزیونی است. در زمان جنگ، تلویزیون زنده و جهانی خطرات بالقوه امنیتی-اطلاعاتی را ارائه می‌دهد. همچنین، ممکن است رسانه به عنوان یک نیروی افزاینده، روشی برای ارسال سیگنال باشد. بنابراین در این عامل، توجه ویژه رسانه‌ها به موضوعات مربوط به سیاست خارجی مشهود است. (Levingston, 1997)

از زمان حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شبکه خبری سی.ان.ان در تقابل با نو محافظه کاران و جمهوری خواهان این حمله را مورد نقد قرار داد. این نقد که در مقاطع زمانی مختلف پس از حمله آمریکا به عراق و افغانستان انجام شد همواره به عنوان راهبرد رسانه ای سی.ان.ان مطرح شده است.

تحلیل اخبار سی ان ان در زمینه حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

الف- تاکید بر ناموفق بودن حمله ایالات متحده به افغانستان برای کاهش قدرت طالبان

سی ان ان در سال ۲۰۲۱ گزارشی انتقادی درباره حمله ایالات متحده به افغانستان با این متن منتشر کرد:

بیش از ۱۵ سال پس از آغاز عملیات آزادی پایدار، طالبان بار دیگر دستاوردهای بزرگی در افغانستان ایجاد می‌کند و هیچ نشانه‌ای از کاهش نفوذ نشان نمی‌دهد.

دولت تنها ۶۳.۴ درصد کشور را از ماه اوت سال گذشته کنترل می‌کند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، قرار بود عصر دوشنبه در مورد برنامه‌های خود برای آینده تعهد آمریکا در افغانستان اعلام کند. تحلیلگران بر این باور هستند که هر چه او تصمیم بگیرد، هیچ پایانی سریع برای درگیری وجود نخواهد داشت.

چطور به اینجا رسیدیم؟

ایالات متحده اولین بار در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ به عنوان بخشی از آزادی پایدار به افغانستان حمله کرد.

دولت بوش طالبان را به حفاظت از اسامه بن لادن رهبر القاعده متهم کرد. کسی که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را برنامه‌ریزی کرده بود.

طالبان پیشنهاد دادند که بن‌لادن را برای محاکمه تحویل دهند، اما تنها به یک کشور سوم، نه مستقیماً به ایالات متحده.

واشنگتن این پیشنهاد را رد کرد و حملات هوایی و زمینی را آغاز کرد و کمی بعد از آن توسط متحدان آمریکایی هم به آن پیوستند (CNN, 21/10/2021).

استفاده از افعال، قیود و اسامی استفهامی که دارای بار معنایی منفی هستند نشان از گفتمانی انتقادی نسبت به حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق و از سوی دیگر نقد سیاست خارجی ترامپ نسبت به خاورمیانه دارد.

استفاده از عباراتی چون: «هیچ پایانی سریع برای درگیری وجود ندارد»، «چطور به اینجا رسیدیم» و واژگانی چون او (منظور ترامپ است)، هیچ، چطور، وجود ندارد، وجود نخواهد داشت که در نقد سیاست‌های جرج دبلیو بوش و البته ترامپ به کار رفته است تقابل با «دیگری» است. از سوی دیگر وقتی در این گزارش سخن از تحلیلگران به میان می‌آید دلالت بر «خود» و مثبت نگاه کردن به منتقدانی است که سیاست خارجی جورج دبلیو بوش و ترامپ را نقد می‌کنند.

در این گزارش دال مرکزی عدم موفقیت ایالات متحده در افغانستان و عراق است و در مجموع رویکرد ایدئولوژیک سی‌ان‌ان در حمایت از دموکرات‌ها و نقد سیاست‌های جمهوریخواهان است.

بر اساس گزاره‌ها و عبارت‌های مطرح شده در قطبی‌سازی خود و دیگری، در می‌یابیم که شبکه خبری سی‌ان‌ان در این گزارش از راهبرد برجسته‌سازی و بازدارندگی بهره برده است.

این رویکرد نسبت به سیاست خارجی آمریکا در زمینه حمله ایالات متحده به عراق نیز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز از سوی سی‌ان‌ان مطرح می‌شود. در گزارشی که می‌آید، سی‌ان‌ان تلاش کرده است تا از طریق گفتگو با کارشناسان مختلف موفق نبودن حمله به افغانستان و عراق را از سوی آمریکا اثبات و بر افکار عمومی تاثیر بگذارد:

ب- عواقب حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق

با گذشت ده سال از حوادث یازده سپتامبر، عواقب سیاست خارجی آمریکا پس از این حوادث همچنان زیر سوال است و تحلیلگران می‌گویند یکی از کشورهای جهان یعنی ایران به برنده اصلی تحولات ده سال گذشته تبدیل شده است.

یک کارشناس امور خاورمیانه در این گزارش گفت: «به اعتقاد من شکی نیست که ایران بزرگترین سود را از جنگ به اصطلاح ضد تروریستی امریکا نصیب خود کرده است».

گزارشگر سی ان ان در ادامه افزود: جنگ های امریکا در افغانستان و عراق به سرنگونی رژیم طالبان و رژیم صدام حسین در این کشورها انجامید که دشمنان سرسخت ایران بودند. اما اکنون نه فقط این دو دشمن منطقه ای ایران از بین رفته اند، بلکه واقعیت این است که ایران اینک نفوذ بسیار بیشتری در عراق و افغانستان دارد».

گزارشگر سی ان ان گفت: مقامات امریکایی افزایش نفوذ ایران در منطقه پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ را کم اهمیت می دانند و به مشکلات داخلی این کشور اشاره می کنند اما حقیقت این است که در چنین شرایطی نیز ایران توانسته است موقعیت خود را به عنوان یک میانجی و قدرت منطقه ای تقویت کند.

گزارش سی ان ان با این جملات پایان می یابد: «با گذشت ده سال از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ایران به عامل ایکس (عنصری مهم با عوارض ناشناخته) در خاورمیانه تبدیل شده است. عنصری که امریکا نمی تواند آن را نادیده بگیرد» (روزنامه جوان، ۱۹/۶/۱۳۹۰)

در این گزارش بازنمایی رویکرد انتقادی سی ان ان نسبت به حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق را در یک گفتمان ایدئولوژیک می بینیم. استفاده از ترکیب عددی و زمانی « با گذشت ۱۰ سال» و عبارت « نه فقط این دو دشمن منطقه ای (افغانستان و عراق) از بین رفته اند» و در نهایت مطرح کردن ایران به عنوان یک عنصر مهم در خاورمیانه برای تضعیف موقعیت «دیگری»، دلالت بر ایجاد فاصله و قطبی سازی میان دموکرات ها و جمهوریخواهان و نقد رویکردهای واقع گرایانه جرج دبلیو بوش و سیاست های جمهوریخواهان است.

با توجه به عبارات و واژگان مطرح شده در قطبی سازی و خود و دیگری در می یابیم که سی ان ان در این گزارش مانند گزارش پیشین بر راهبرد برجسته سازی و بازدارندگی تاکید کرده است.

ج- اختلاف در زمینه حمله به عراق

نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۳ وارد عراق شدند، تقریباً از هر چهار آمریکایی سه نفر از تصمیم پرزیدنت بوش برای استفاده از نیروی نظامی برای سرنگونی رژیم صدام حسین حمایت کردند.

طبق آخرین نظرسنجی CNN/Opinion Research Corporation، چهار سال و

بیش از ۳۲۰۰ کشته در ایالات متحده بعد از آن، کمتر از یک سوم آمریکایی ها از جنگ حمایت می کنند.

بر اساس این نظرسنجی، جمهوری خواهان و دموکرات ها این درگیری را بسیار متفاوت می بینند. بیش از ۹۰ درصد دموکرات ها مخالف جنگ هستند، در حالی که این رقم در جمهوری خواهان ۲۴ درصد است.

در مقابل، چهار سال پیش، ۵۵ درصد از دموکرات ها و ۹۱ درصد از جمهوری خواهان از جنگ حمایت کردند. (CNN.19/3/2007).

در این گزارش استفاده از واژه «نظر سنجی» و بیان درصد موافقان و مخالفان جنگ، برای قطبی سازی میان دموکرات ها و جمهوری خواهان برای تاکید بر جنگ طلبی جمهوری خواهان بر تقویت درستی رویکرد دموکرات ها و تضعیف سیاست خارجی جمهوری خواهان دارد.

بر این اساس سیاست خارجی سی ان ان به تبعیت از دموکرات ها فاصله گرفتن از واقع گرایی تهاجمی و حرکت به سوی نو واقع گرایی و افزایش بازدارندگی و موازنه قواست. موضوعی که نشان دهنده تلاش سی ان ان برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی و قطبی سازی میان دموکرات ها و جمهوری خواهان از طریق آمار دارد.

نتیجه گیری

بررسی ۳ خبر منتشر شده از سوی شبکه سی ان ان که در مقاطع مختلف زمانی منتشر شده است نشان می دهد که طبق نظریه تأثیر سی ان ان این شبکه از ۳ راهبرد خبری برجسته سازی، شتابزایی و بازدارندگی برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی و نقد سیاست های حزب جمهوری خواه در حمله به افغانستان و عراق استفاده کرده است.

نکته دیگر حمایت این شبکه خبری از سیاست های حزب دموکرات در نقد حمله به افغانستان و عراق و سیاست خارجی جمهوری خواهان نسبت به خاورمیانه است.

همچنین در اخبار بررسی شده استفاده از راهبرد برجسته سازی نسبت به سایر راهبردهای خبری این شبکه مشخص و بیشتر است.

از سوی دیگر نقد سیاست های جمهوری خواهان در حمایت از حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق در ۳ خبر منتشر شده نشان می دهد که سی ان ان بر مبنای برجسته

سازی تلاش دارد تا استراتژی بازدارندگی را در برابر استفاده مستقیم از ابزار نظامی مورد تاکید قرار دهد و به عبارتی دیگر نو واقع گرایی را در برابر رئالیسم تهاجمی قرار دهد.

در این ۳ خبر سی ان ان با ایجاد مرز بندی میان سیاست های حزب دموکرات و جمهوریخواه از طریق برجسته سازی طرفداران حمله نظامی به افغانستان و عراق را تضعیف و موقعیت و دیدگاه مخالفان این اقدام را تقویت می کند. به عبارت دیگر یک نوع دو قطبی شدن میان احزاب دموکرات و جمهوریخواه در اخبار سی ان ان مشهود است که این شبکه خبری در قطب مخالفان حمله نظامی به افغانستان و عراق قرار دارد.

در مجموع، بررسی اخبار ذکر شده سی ان ان، نشان دهنده همگرایی این شبکه خبری در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به این حمله نظامی با حزب دموکرات و نقد سیاست های جرج دبلیو بوش به عنوان یک رییس جمهور جمهوری خواه است.

۱. سقای بی ربا ، حکیمه،(پاییز ۱۳۹۶)، نظریه (رویگرد) سی ان ان ، ساختارها و راهبردهای رسانه های برون مرزی آمریکا، پژوهشنامه رسانه بین الملل ، شماره ۲
۲. سمتی محمد مهدی ،(۱۳۸۵)، عصرسی ان ان و عصر هالیوود ، ترجمه خاتون براهویی،تهران: نشر نی فردیک مورن،ژان و پاکوین، جانانان، ترجمه: دکتر ابراهیم انوشه، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی (مجموعه ای از منابع کاربردی)، چاپ اول، شهریور ۱۴۰۲.
۳. کاتز هلن، (۱۳۹۵)، رسانه، ترجمه نفیسه حقیقت جوان، تهران: نشر افکار
۴. معتمد نژاد کاظم ،(۱۳۹۰)، وسایل ارتباط جمعی ،تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
5. E.Brady Henry & B.Kent Thomas,(2022),Fifty Years of Declining Confidence&Increasing Polarization in Trust in American Institutions
6. Support for The Iraq War Deteriorates,(2007), Edition.cnn.com
7. Islam Jui Nasima ,The CNN Effect Theory: How 24 Hour News Coverage Affects Government Decisions and Public Opinion in the case Syria and Somalia,,(2023),University of Dhaka · Department of Peace and Conflict Studies.
8. Livingston Steven,(1997), Clarifying The CNN Effect: An Examination of Media Effects According to Type of Military Intervention,John F. Kennedy School of Government , The Joan Shorenstein Center,Harvard University.
9. Robinson Piers,(1999), The CNN Effect : Can the news media

drive foreign policy?British Internatioal Association.

10. Support for The Iraq War Dteriorates,(2007), Edition.cnn.com
11. Gilbao Eytan, (2005),The CNN Effect: The Search for aCommunication Theory of International Relations. Support for The Iraq War Dteriorates,(2007), Edition.cnn.com.
12. <https://www.javanonline.ir>